

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لعنة الله علي اعدائهم اجمعين من الان الي قيام يوم الدين

بررسی فرع چهارم از منظر مرحوم سید(ره)

«الرابعة: إذا كان في الركعة الرابعة مثلاً و شك في أن شكَّ السابق بين الإثنين و الثلاث كان قبل إكمال السجدين أو بعدهما بني علي الثاني كما أنه كذلك إذا شكَّ بعد الصلاة»

در این مسئله‌ی رابعه که در فروع علم اجمالی مطرح شده و همان‌طوری که در کتاب «العروة الوثقی» اگر ملاحظه بفرمایید، عین همین مسئله را مرحوم سید(ره) در بحث شک در رکعات هم عنوان فرموده، مسئله این است که اگر کسی در رکعت چهارم یقین پیدا می‌کند که در رکعات قبلی، برای او شکّی حاصل شده و می‌داند که این شک، شکّ بین دو و سه بوده، تا اینجا پیش را می‌داند که در رکعت چهارم است، اما يك شكّی بین دو و سه، که آیا این رکعت دوم است یا سوم، برای او به وقوع پیوسته، اما نمی‌داند که آیا «قبل إكمال السجدين» بوده یا «بعد إكمال السجدين» بوده؟ شما می‌دانید اگر در نماز چهار رکعتی قبل از اكمال سجدين انسان بین دو و سه شك کند نمازش باطل است، اما بعد از اینکه سجده‌ی دوم تمام شد، نشست و شك کرد که این رکعت دوم است یا سوم؟ در اینجا نماز صحیح است و بنا را می‌گذارد بر سه و نمازش را تمام می‌کند و يك رکعت نماز احتیاط ایستاده بعد از نماز می‌خواند و آن نماز مشکلی ندارد. این روشن است که شك قبل از اكمال سجدين موجب بطلان نماز است، بعد از اكمال سجدين موجب صحّت نماز است، یعنی از شكوك صحیحه است و نماز صحیح است. الآن در رکعت چهارم می‌داند بین دو و سه شك کرده قبلاً، اما نمی‌داند قبل از اكمال سجدين بود یا بعد از اكمال سجدين.

تقسیم فرع چهارم به دو فرض کلی

مرحوم سید(ره) مسئله را در دو فرض مطرح می‌کند:

«فرض اول»: در اثناء نماز، مثل اینکه در رکعت چهارم برایش چنین شکّی حاصل شود؛

«فرض دوم»: بعد از نماز، نماز را سلام داد و بعد از سلام نماز یقین پیدا کرد يك شكّی برایش به وجود آمده، اما نمی‌داند که آیا قبل از اكمال سجدين بوده این شكّ بین دو و سه، یا بعد از اكمال سجدين بوده.

لذا مسئله دو فرض دارد، یکی در اثناء نماز و دوم بعد از نماز.

بررسی احتمالات اربعه پیرامون فرض اول فرع چهارم

اینجا چهار احتمال بدو وجود دارد؛ البته لازم به ذکر است مراد رابعه بنایی است، یعنی روی فرض اینکه شك قبلي او بعد اكمال السجدين بوده و شكش صحيح بوده و نمازش صحيح بوده و بنا را گذاشته بر سه، حالا این می شود چهارم بنایی.

«احتمال اول»: يك احتمال که مرحوم سيّد(ره) و برخي ديگر برايش فتوا دادند این است که الآن بنا را بگذارد بر اینکه آن شك سابقش بعد از اكمال سجدين بوده، بايد يك چنين بنایی را بگذارد و در نتیجه نمازش را تمام می کند و يك رکعت نماز احتیاط بخواند و ديگر این نماز مشکلي ندارد! این احتمال اول بود.

«احتمال دوم»: که کثيري از محشين کتاب «العروة الوثقى» این احتمال را دادند، مثل مرحوم امام خميني(ره)، مرحوم آقاي خوانساري(ره) و مرحوم آقاي گلپایگانی(ره) و مهم تر از همه مرحوم ميرزا علي آقاي ايرواني(ره)، در رساله اي که در فروع علم اجمالي دارد، اينها می فرمايند: اینجا علم اجمالي دارد به اینکه: يا اتمام نماز واجب است و بايد يك رکعت نماز احتیاط بخواند يا اینکه این شكش قبل از اكمال سجدين بوده بايد اعاده کند. علم اجمالي دارد به اینکه احد الخطابين متوجه به اوست،

«خطاب اول»: اینکه يك رکعت نماز احتیاط ایستاده بايد بخواند و نماز هم صحيح است،

«خطاب دوم»: «اعد صلاتك»، این نماز باطل است و بايد اعاده کنی.

و مقتضاي علم اجمالي این است که هر دو کار را انجام بدهد؛ هم نماز را تمام کند و يك رکعت نماز احتیاط بخواند و هم نماز را اعاده کند.

«احتمال سوم»: که من ندیدم قائلی داشته باشد این است که اصلاً این نماز باطل است، الآن شك می کند که آیا آن شك سابق او قبل اكمال سجدين بوده یا بعد، این نماز باطل است و آن را رها کند! ديگر تکلیفی به اتمام ندارد و بايد اعاده کند، این هم احتمال سوم بود.

«احتمال چهارم»: که در کلمات مرحوم محقق حائري(ره) - مؤسس حوزه علمیه قم - است این است، ایشان در کتاب الصلاة صفحه 421 يك تفصيلي را احتمال دادند و می فرمایند: «التفصيل بين ما علم حكم الشك و احتمل المضي و البناء علي الثلاث قبل إكمال السجدين سهواً، و ما لم يعلم»، بگوئیم بالأخره آن زمانی که این شك برايش حاصل شده:

«صورت علم به حکم»: اگر يك آدمي بوده، که عالم به حکم شك بوده و نماز را گذرانده، یعنی بنا را بر ثلاث گذاشته، اینجا ديگر به این شك که الآن دارد می کند اعتنا نکند!

«صورت جهل به حکم»: اگر يك آدمي بوده که حکم شك را اصلاً نمی دانسته، همان موقعی که بین دو و سه شك حاصل شده، همان موقع هم نمی دانسته بايد چکار کند؟ نمی دانسته که اگر قبل اكمال السجدين است نماز باطل است، بعد اكمال السجدين است نماز صحيح است.

پس بین عالم به حکم شك و جاهل فرق بگذاریم، این هم احتمال چهارمی است که مرحوم محقق حائري(ره) دادند.

البته عرض کردم فعلاً تمام اینها در آنجایی است که در اثناء نماز است، حالا اگر در مجموع مسئله بیائیم بگوئیم فرق است بین اینکه چنين وضعی، و چنين علم اجمالي اي در اثناء نماز حاصل شود يا بعد از نماز حاصل شود! فرق وجود دارد، مجموعاً در کل مسئله این پنج احتمال مطرح است.

بررسی اجمالی دلیل احتمال سوم

حالا که احتمالات ذکر شد، ما از این احتمالی که فتوایی بر آن نیست، یعنی من پیدا نکردم، شروع کنیم، بگوئیم این نماز اساساً باطل است، اگر این شك قبل اكمال السجدين باشد، نمازش باطل است، بعد اكمال السجدين باشد نماز صحیح است و نماز را قطع کند، چرا؟ دلیلش این باشد که قبلاً هم در سال گذشته این بحث را داشتیم، ما يك روايت خاصي، يك روايت و دليل لفظي بر حرمت قطع صلاة نداریم، آنچه که وجود دارد اجماع است، اجماع می‌گوید اگر يك نمازي را شروع کردید قطعش حرام است «الا لضرورة». وقتی اجماع می‌گوید: «قطع الصلاة حرام»، اجماع يك دليل غير لفظي است، يك دليل لُبي است، در ادله لُبي باید به قدر متيقن اخذ کرد. قدر متيقن، نمازي قطعش حرام است که بتواند مصداق براي امتثال واقع شود، يعني اگر مصلي يك نمازي را بتواند مصداق براي امتثال قرار بدهد، قطع این نماز حرام است، اما در ما نحن فيه نمی‌داند این مصداق امتثال است یا نه؟ می‌گوید اگر این شك قبل اكمال السجدين بوده نماز باطل است، اما اگر بعدش بوده نماز صحیح است! چون نمی‌داند این مصداق براي نماز صحیح است یا نه؟ پس این نماز قطعش در اینجا مانعی نداشته باشد. این اجمال اینکه اگر کسی بخواهد دلیلی بیاورد و بگوید اصلاً این نماز باطل و رها کند و اعاده کند!

بررسی دو مبنا در ادله شکوک صحیحه

جوابی که در اینجا باید ذکر کنیم این است: حالا قبلاً هم بعضی از آقایان در مسئله قبلی هم يك روز يكي از آقایان گفتند که چرا اینقدر ما بیائیم بحث کنیم که دو سجده فراموش شده و چه و چه؟! این شخص بیاید نماز را رها کند و يك نماز دیگر بخواند!

ببینید مسئله این است که ما يك ادله‌اي در باب شكوك صحیحه داریم. مثلاً ادله‌اي که می‌گوید اگر شك بین سه و چهار کردید بنا را بر اکثر بگذارید، آنجا این مسئله مطرح است که این بناء بر اکثر به عنوان «عزیمت» است؟ یا به عنوان «رخصت» است؟ شارع می‌گوید اگر می‌خواهید این نمازتان درست باشد بنا را بر اکثر بگذار و يك رکعت نماز احتیاط بخوان، اما اختیار دست خودت است، اگر هم نخوابی نماز را رها کن و دوباره از اول نماز بخوان، کما اینکه بعضی اوقات در ذهن بعضی‌ها يك چنین مطلبی خلجان پیدا می‌کند که شارع يك راهی را گذاشته بر اینکه این نماز درست بشود، اما اگر نخوابی و این نماز به دلت نچسبید این را ولش کن و به سراغ اعاده برو.

«مبنای رخصت بودن ادله شکوک صحیحه»: شارع برای اینکه وقت شریف‌تان خیلی از بین نرود و زحمتی متحمل نشوید، آمده يك راه گذاشته و فرموده بنا را بر چهار بگذار و يك رکعت نماز احتیاط بخوان، دیگر وظیفه‌اي غیر از این نداریم، از این، به رخصت تعبیر می‌کنیم که طبق معنای رخصت يعني اگر خواستی نماز را رها کنی رها کن، اما اگر خواستی این نماز را درست کنی راهش این است.

«مبنای عزیمت بودن ادله شکوک صحیحه»: که در مقابل احتمال اول است این است که این از باب عزیمت است، يعني شما وقتی يك چنین شكی در نماز برایتان به وجود آمد حقّ بهم زدن نماز را نداري، الآن وظیفه‌تان این است که در همین شك سه و چهار تا حالا باید رکعت چهارم متصل را می‌خواندید، ادله‌ي «ابن علي الأكثر» می‌گوید: باید بنا را بر اکثر بگذاری و يك رکعت نماز احتیاط بخوانی به عنوان رکعت منفصل و به تعبیر آقایان اینجا وظیفه انقلاب پیدا می‌کند: «من الركعة الرابعة المتصلة إلى الركعة الرابعة المنفصلة»، تکلیف شما این است و حق ندارید نماز را بهم بزنید، يعني باید نماز را بنا بر چهار بگذارید و بعدش هم يك رکعت نماز احتیاط ایستاده بخوانید، اعاده هم لازم ندارد. بنابراین این هم مبنای دوم.

بیان نظر مختار در رد احتمال سوم

حالا اگر ما گفتیم از ادله‌ي شكوك صحیحه، رخصت استفاده می‌شود، به این معناست که هر وقت، هر جا، هر شكی برایتان حاصل شد نماز را بهم بزن، يعني اختیار داري، می‌توانی طبق قانون شكوك صحیحه عمل کنی و می‌توانی عمل نکنی و نماز را

بهم بزني و دوباره از اول بخواني، که از آن تعبیر به رخصت می‌کنیم.

اما اگر گفتیم عزیمت استفاده می‌شود، به این معناست که قطع نماز جایز نیست، یعنی واجب است که شما بنا را بر اکثر بگذاری و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بخوانی و در جای خودش روشن است که ظاهر ادله همین قول دوم است.

ادله‌ی شکوک به شما اجازه‌ی قطع نماز نمی‌دهد، می‌گوید باید طبق قانون شک عمل کنی و لذا شاید یک جهت اینکه حالا تعلم این احکام شکوک که برای انسان در نماز واقع می‌شود واجب است، یک جهتش این است که خودش مقدمه‌ی این واجب است، یعنی وقتی این شک به وجود آمد بر شما واجب است که نمازتان را به این نحو قانونی شک عمل کنی، عنوان عزیمت را دارد و لذا قطع نماز جایز نیست.

پس اگر ما گفتیم ادله‌ی شکوک عنوان ترخیصی را دارد، قطع نماز نه اینجا بلکه همه جا جایز است. اما اگر گفتیم عنوان عزیمت را دارد که ظاهر ادله این است، مصلاً حق اینکه نمازش را بهم بزند ندارد، باید نمازش را تمام کند، یک رکعت نماز احتیاط هم بخواند، حالا میلش این است که یک نماز احتیاط مستحبی انجام بدهد و دوباره نمازش را اعاده کند این یک امر علی‌حده‌ای است، اما همین نماز به عنوان تکلیف واجب او واقع می‌شود.

پس این مسئله بطلان را کنار بگذاریم.

بررسی احتمال اول یا فتوای سید(ره) در دو مقام

در این مسئله باز در دو مقام باید بحث کنیم، مرحوم سید(ره) در کتاب «العروة الوثقی» می‌فرماید: این شخص بنا را بگذارد بر اینکه این شکش بعد اكمال السجدين بوده، نماز صحیح است، یک رکعت نماز احتیاط بخواند. ببینیم آیا این فتوا صحیح است؟ یا نه اصلاً اینجا به مقتضای علم اجمالی باید عمل شود! در دو مقام باید بحث کنیم:

«مقام اول»: از نظر اصول عملیه و قاعده‌ی تجاوز تکلیف را روشن کنیم؛

«مقام دوم»: از نظر عمومات «ابن علی الأكثر» آیا آن عمومات در اینجا جریان دارد یا ندارد؟

بررسی مقام اول (جریان اصول عملیه، قاعده تجاوز و اصاله الصحة)

پس ترتیب بحث را خوب دقت بفرمایید. ابتداء باید ببینیم از نظر اصول عملیه، استحباب و از نظر قاعده تجاوز آیا می‌توانیم به نتیجه روشنی برسیم یا نه؟ در اینجا چهار مطلب وجود دارد.

بررسی مطلب اول: جریان استحباب عدم حدوث شک قبل از اكمال سجدين در مقام

اولین مطلبی که اینجا مطرح می‌شود این است که اینجا استحباب عدم حدوث شک قبل اكمال السجدين جاری کنیم! چه اشکالی دارد؟ «لِقَائِلِ اِنْ يَقُولُ» بگوییم این شخص می‌گوید من می‌دانم بین دو و سه شک کردم که این رکعت من دوم است یا سوم؟ نمی‌دانم این شک قبل اكمال السجدين بوده یا بعد اكمال السجدين؟ استحباب کنید عدم حدوث شک قبل اكمال سجدين.

نظر محقق حائری موسس(ره) نسبت به جریان استحباب عدم حدوث شک قبل از اكمال سجدين

مرحوم محقق حائری(ره) در اینجا به «اصاله عدم السهو و النسيان» اشاره می‌کند و ظاهراً این است که ایشان هم همین اصل را می‌خواهد بگوید، یعنی آیا قبل اكمال السجدين در این نماز من سهو و نسيان حاصل شد یا نه؟ اصل عدمش است و

علي الظاهر مرحوم محقق حائري(ره) این را قبول کرده.

مناقشه امام خميني(ره) بر نظر محقق حائري(ره)

امام خميني(ره) در جواب محقق حائري(ره) در كتاب «الرسائل العشر» ص 132 فرمودند:

«أما إصالة عدم السهو و النسيان، فلا دليل علي حجيتها شرعاً أو ثبوتها عند العقلاء»، اين يك اصل عقلائي نيست و دليلي برايش نداريم.

مناقشه بر نظر امام خميني(ره) از منظر مختار

حالا نمي دانم اينجا يا ما مطلب امام(ره) را نمي فهميم يا چطور شده اين سهو قلم از امام(ره) شده، اين استصحاب است، اينكه مرحوم محقق حائري(ره) فرمودند: اصالة عدم السهو و النسيان همان استصحاب عدم حدوث شك قبل اكمال السجدين است، لذا حالا شما روي اين عبارت امام(ره) يك فكري كنيد ببينيد آيا ايشان در اينجا مقصود ديگري داشتند؟ حضرت امام(ره) مي فرمايند: «فلا دليل علي حجيتها شرعاً أو ثبوتها عند العقلاء، بحيث يمكن التمسك بها لإثبات مثل ذلك، أي إثبات كون الشك حادثاً في الركعتين الأخيرتين»، اين ذيل فرمايش امام، البته يك نکته ديگري را مي رساند كه حالا خودمان هم در اشكال به اين استصحاب ذكر مي كنيم، اما اينكه بگوئيم اين اصل دليلي بر حجيتش نداريم، استصحاب است.

اشكال امام خميني(ره) در ذيل مناقشه بر محقق حائري(ره)

حالا امام(ره) در ذيل مي فرمايند: ما از اين اصل نمي توانيم اثبات كنيم كه اين شك در ركعتين اخيرتين حادث است و آنچه كه الآن ما براي صحّت نماز نياز داريم اين است كه براي صحّت نماز ما بايد اثبات كنيم اين شك «حدث في الركعتين الأخيرتين»، يعني «حدث في الركعتين الأخيرتين بعد اكمال السجدة الثانية»، بعد اكمال السجدين است.

وارد بودن اشكال ذيل كلام امام خميني(ره) بر محقق حائري(ره) در نظر مختار

اين اشكال واردي است، يعني شما حالا عدم حدوث شك قبل اكمال السجدين را استصحاب مي كنيد؛ اين استصحاب درست است اما اين استصحاب اثبات نمي كند كه شك شما بعد اكمال السجدين حادث است و آنكه الآن ما به آن نياز داريم اين است كه براي ما روشن شود؛ اگر بخواهيم بگوئيم اين نماز صحيح است، براي احراز صحّت صلاة براي ما ثابت و محرز بشود اين شك بعد اكمال السجدين بوده و اين را استصحاب، اثبات نمي كند، چون مي شود اصل مثبت. پس اين اشكال شريف ايشان در ذيل، وارد است.

اشكال محقق ايرواني(ره) نسبت به استصحاب عدم حدوث شك قبل از اكمال سجدين

اما اشكال دومي را حالا باز يك مقدار دقيق ترش كنيم، چون اين دقت در كلمات مرحوم محقق ايرواني(ره) هم آمده، ايشان مي فرمايند: «استصحاب عدم حدوث الشك قبل اكمال السجدين لا تثبت تأخر الشك»، اصلاً اثبات نمي كند شك شما مؤخر بوده، بعد يك مطلب دقيق تر و بالاتري مي گويد، «فضلاً عن أن تثبت أن هذا الشك الموجود متأخر». در كلام ايشان دو عنوان وجود دارد:

«عنوان اول»: يك وقتي است كه مي گوييم آن استصحاب عدم حدوث شك مي گويد: شك متأخر است، پس دلالت بر تأخر الشك دارد؛ اين يك عنوان است؛

«عنوان دوم»: اين است كه شما مي دانيد يك شكّي بين دو و سه كرديد، مي خواهيد بگوئيد اين شكّي كه قبلاً بين دو و سه كردم

متأخر است.

اگر بگوئید فرق این دو عنوان چه شد؟ فرقی را برای ما روشن کنید؛ قبل از پاسخ باید بگوییم: مرحوم ایروانی (ره) انصافاً مرد بسیار بسیار دقیق النظری بوده، ولادتش هم 1301 قمری بوده، فوتش هم 1354 قمری بوده، یعنی 53 سالشان بوده که مرحوم شدند. هم حاشیه‌ی مکاسب خلی دقیق است، من یادم هست وقتی من می‌خواستم مکاسب را بخوانم، از مرحوم والدان (ره) سؤال کردم که شما کنار مکاسب کدام حاشیه را توصیه می‌کنید؟ ایشان به من تأکید کردند حاشیه مرحوم ایروانی (ره) را حتماً ببین. این حاشیه بسیار مشحون از نکات جدید و دقیق است، حاشیه کفایه ایشان نیز همین‌طور است، و البته فروع علم اجمالی ایشان هم همین‌طور است.

به هر روی ایشان می‌گوید: یک وقتی است که ما می‌دانیم یک شک حاصل شده، می‌گوئیم یا این شک قبل از اكمال سجده بوده؟ که استصحاب می‌گوید این شک قبل اكمال سجده نبوده است! همین را می‌آورند و می‌گویند: پس این باید متأخر باشد.

اما آنچه الآن موضوع ادله‌ی صحّت صلاة است این نیست که بگوئیم آن شک که با استصحاب می‌خواهی متأخرش کنی برای صحّت نماز کافی است، آنچه ادله شکوک صحیح است می‌گوید شما باید بگوئید این شک که بالفعل در زمان خودش حاصل شده احراز کنی بعد اكمال السجده بوده و استصحاب نه اثبات می‌کند تأخر آن شک را، و نه اثبات می‌کند این شک متأخر است، هیچ کدام را نمی‌تواند اثبات کند، این اشکال اول محقق ایروانی (ره).

اشکال دوم محقق ایروانی (ره) بر استصحاب عدم حدوث شک قبل از اكمال سجده

اشکال دوم که در کلمات محقق ایروانی (ره) است و در کلمات مرحوم امام (ره) نیست این است که این استصحاب معارض دارد؛ معارضش چیست؟ یعنی ما اگر فرض کردیم حالا این استصحاب هم جریان دارد، اما می‌گوئیم اگر فرض کنیم زمان شک برای ما روشن است اما نمی‌دانیم زمان اكمال سجده چه زمانی بوده؟ اینجا هم عدم اكمال سجده تا زمان شک را استصحاب می‌کنیم.

باز خیلی ساده‌تر بگوئیم که شما چرا آن طرف قضیه را می‌گوئید؟ می‌گوئیم استصحاب می‌کنیم عدم اكمال شک تا زمان سجده را، ما می‌گوئیم عکسش کنیم و استصحاب کنیم عدم اكمال سجده را حین زمان الشک، پس با هم تعارض پیدا می‌کنند، شما می‌گوئید نمی‌دانم این شک، قبل از اكمال السجده بوده یا نه؟ استصحاب می‌کنید عدم حدوث الشک تا زمان اكمال السجده، می‌گوئیم پس عکسش را بیاورید، نمی‌دانیم در زمان شک، اكمال سجده شد؟ استصحاب کنیم عدم اكمال سجده را الی زمان الشک، منتها این استصحاب در جایی است که تاریخ زمان شک را می‌دانیم، اما زمان اكمال برای شما مجهول است، این هم می‌شود معارض با این استصحاب.

پس این استصحاب دو اشکال دارد؛ یکی اینکه اصل مثبت است دوم اینکه معارض دارد.

حالا نوبت می‌رسد به اینکه اینجا این آدم در رکعت چهارم نمی‌تواند اصالة الصحة را جاری کند، قاعده‌ی تجاوز را این شخص نمی‌تواند در اینجا جاری کند این را پیش مطالعه بفرمایید برای فردا ان شاء الله.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ